



Compensation for Damages Suffered by Citizens as a Result of Armed Conflict in the Iranian Legal System

Mahdi Tarasi¹

Samaneh Rahmatifar^{*2}

Received: 2025/07/30

Accepted: 2025/09/19

Abstract

Introduction: Compensation for damages suffered by civilian populations during armed conflicts constitutes one of the most fundamental challenges in contemporary public law and international humanitarian law, as the consequences of military operations are not confined to the battlefield but directly affect the life, property, security, and human dignity of civilians. In such circumstances, affected citizens generally lack the individual capacity to obtain adequate reparation for material and moral damages and therefore depend on state responsibility and legal mechanisms for redress. Within the Iranian legal system, this issue acquires particular significance in light of the historical experience of the imposed war and the persistence of recent military and security threats. The central question of this research is whether the existing legal frameworks in Iran possess the capacity to ensure full, fair, and effective compensation for damages arising from armed attacks.

Methodology: This research employs a descriptive-analytical approach, utilizing library-based sources. It analyzes Iran's Constitution-especially provisions protecting life, property, and citizens' rights-the Civil Liability Act, domestic laws on war damages, relevant jurisprudence, and applicable international humanitarian law. A comparative analysis is also used to evaluate the alignment between Iranian legal mechanisms and international standards, identifying both normative capacities and practical gaps in the compensation process for civilians in armed conflict.

Findings: The study reveals that Iran's legal system has solid jurisprudential and normative foundations for protecting civilians in conflict, based on constitutional duties, civil liability rules, and principles like "no-harm" and state liability. However, major practical gaps exist, including the lack of a dedicated war damages compensation law, inconsistent judicial rulings, lengthy procedures, and financial limitations, which together hinder effective and fair reparations.

Conclusion: The research finds that while Iran's legal framework theoretically supports civilians affected by armed conflict, meaningful restorative justice requires significant institutional and legislative reform. Key steps include enacting specialized compensation laws, creating dedicated institutions, improving citizen access to redress mechanisms, and aligning domestic regulations with international humanitarian standards to ensure effective and fair reparations for victims.

Keywords: Reparation of Damage; Civilians; Constitution of the Islamic Republic of Iran; Armed Conflict; Imposed Twelve-Day War



How to cite this article: Tarasi, M.; Rahmatifar, S. (2025). Compensation for Damages Suffered by Citizens as a Result of Armed Conflict in the Iranian Legal System. *Law and Public Order*, 1(1), 7-19. (In Persian).

¹ MSc. Student, Department of Public Law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

² Associate Professor, Department of Law, H.C., Islamic Azad University, Hamedan, Iran *(Corresponding Author)
s.rahmatifar@iau.ir



جبران خسارات وارد شده به شهروندان ناشی از مخاصمه مسلحانه در نظام حقوقی ایران

مهدي تاراسي^۱ سمانه رحمتي فر^{۲*}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۸

چکیده

مقدمه: جبران خسارات وارد شده به شهروندان غیرنظامی در جریان مخاصمات مسلحانه، یکی از بنیادی‌ترین چالش‌های حقوق عمومی و حقوق بشردوستانه معاصر به شمار می‌آید، چرا که آثار جنگ و حملات نظامی صرفاً به عرصه نظامی محدود نشده و مستقیماً جان، مال، امنیت و کرامت انسانی شهروندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در چنین شرایطی، شهروندان آسیب‌دیده غالباً فاقد توان فردی برای جبران خسارات مادی و معنوی وارده بوده و ناگزیر به اتکا بر سازوکارهای حمایتی دولت و نظام حقوقی هستند. در نظام حقوقی ایران، با توجه به تجربه تاریخی جنگ تحمیلی و نیز تهدیدهای امنیتی و نظامی اخیر، مسئله جبران خسارات ناشی از مخاصمه مسلحانه اهمیت دوچندانی یافته است. با این حال، پرسش اساسی آن است که آیا چارچوب‌های حقوقی موجود در ایران، اعم از اصول قانون اساسی، قوانین عادی و مبانی فقهی، ظرفیت لازم برای جبران کامل، عادلانه و مؤثر خسارات وارده به شهروندان را دارا هستند یا خیر. **روش:** این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام شده است. مبانی حقوقی داخلی شامل اصول قانون اساسی (حمایت از جان، مال و حقوق شهروندی)، قانون مسئولیت مدنی و قوانین مرتبط با خسارات جنگی، همراه با آرای فقهی معتبر و اسناد بین‌المللی حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. روش اصلی، تحلیل تطبیقی میان ظرفیت‌های حقوق داخلی و الزامات حقوق بین‌الملل بشردوستانه بوده تا شکاف‌های نظری و عملی در فرایند جبران خسارت شناسایی شوند.

یافته‌ها: این پژوهش نشان می‌دهد که در سطح هنجاری، نظام حقوقی ایران از پشتوانه‌های قابل توجهی برای حمایت از شهروندان آسیب‌دیده برخوردار است. اصول قانون اساسی بر مسئولیت دولت در تأمین امنیت و جبران خسارات ناروا تأکید دارند و قانون مسئولیت مدنی نیز مبنای جبران ضررهای مادی و معنوی را فراهم می‌سازد. افزون بر این، مبانی فقهی همچون قاعده لاضرر و اصل ضمان، ظرفیت نظری لازم برای توجیه مسئولیت دولت در جبران خسارات ناشی از مخاصمه مسلحانه را فراهم می‌کنند. با این حال، در عرصه عملی، چالش‌های جدی مشاهده می‌شود؛ از جمله نبود قانون جامع و مستقل در زمینه جبران خسارات جنگی، فقدان رویه قضایی منسجم، طولانی بودن فرآیندهای اداری و قضایی، و محدودیت منابع مالی که موجب می‌شود جبران خسارت به صورت ناقص، دیر هنگام یا نابرابر تحقق یابد.

نتیجه‌گیری: پژوهش حاکی از آن است که هرچند نظام حقوقی ایران از حیث مبانی نظری و قانونی ظرفیت حمایت از شهروندان آسیب‌دیده از مخاصمه مسلحانه را داراست، اما تحقق عدالت ترمیمی در عمل مستلزم اصلاح و تقویت سازوکارهای اجرایی است. تدوین قانون خاص جبران خسارات ناشی از مخاصمات مسلحانه، ایجاد نهادهای تخصصی، تسهیل دسترسی شهروندان به فرآیندهای جبران، و هماهنگی بیشتر میان حقوق داخلی و استانداردهای بین‌المللی، از جمله راهکارهایی است که می‌تواند به تحقق جبران مؤثر، عادلانه و انسانی خسارات وارده به شهروندان منجر شود.

واژه‌های کلیدی: جبران خسارت، شهروندان، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مخاصمه مسلحانه، جنگ تحمیلی



استناد: تاراسی، مهدی؛ رحمتی فر، سمانه (۱۴۰۴). جبران خسارات وارد شده به شهروندان ناشی از مخاصمه مسلحانه در نظام حقوقی ایران. *حقوق و نظم عمومی*، (۱)، ۷-۱۹.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حقوق عمومی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران.

^۲ دانشیار گروه حقوق، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

امنیت و آرامش شهروندان در هر جامعه‌ای، شالوده نظم اجتماعی و شرط تحقق سایر حقوق بنیادین است. هنگامی که کشوری در معرض حمله نظامی، اقدامات تروریستی یا اشکال نوین جنگ‌های ترکیبی قرار می‌گیرد، شهروندانی که در مخاصمه دخالت ندارند، بیشترین آسیب را متحمل می‌شوند. آنان قربانیانی‌اند که زندگی روزمره‌شان به ناگاه با خسارات مادی و معنوی جبران‌ناپذیر مواجه می‌شود.

در نظام حقوقی ایران، دولت نه تنها به عنوان نماینده سیاسی ملت بلکه به عنوان حافظ حقوق اساسی شهروندان مسئولیت دارد. این مسئولیت در اصول قانون اساسی، از جمله اصل ۲۲ (مصونیت جان و مال افراد)، اصل ۲۹ (حق برخورداری از تأمین اجتماعی) و اصل ۴۰ (ممنوعیت اضرار به غیر)، مورد تأکید قرار گرفته است. بر این اساس، حمایت از مردم و جبران خسارات ناشی از تهدیدات، نه یک اقدام صرفاً اخلاقی یا سیاسی، بلکه تکلیفی حقوقی است. تجربه‌های تاریخی ایران، به ویژه جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، به روشنی نشان داده‌اند که جنگ‌ها و حملات مسلحانه آثار عمیق و بلندمدتی بر حیات فردی و جمعی شهروندان دارند. ویرانی گسترده زیرساخت‌ها، جان باختن و آوارگی هزاران شهروان غیرنظامی، و آسیب‌های روانی و اقتصادی ماندگار، همگی جلوه‌های این واقعیت‌اند. در سال‌های اخیر نیز در جریان حملات کوتاه مدت اما شدید به مناطق مسکونی و مراکز حیاتی، بار دیگر مسئله آسیب‌پذیری غیرنظامیان و مسئولیت دولت در قبال آنان مطرح شد. با وجود برخی اقدامات حمایتی، بسیاری از بازماندگان معتقدند که سازوکارهای جبران خسارت ناکافی و کند بوده است. این نارسایی‌ها عمدتاً ناشی از فقدان یک نظام جامع و کارآمد برای جبران خسارات غیرنظامیان در شرایط بحران است. در چنین وضعی، جبران خسارت صرفاً پرداخت غرامت مالی نیست، بلکه نشانه‌ای از همدلی، مسئولیت‌پذیری و تعهد دولت نسبت به کرامت انسانی است. غفلت از این وظیفه می‌تواند پیامدهایی چون بی‌اعتمادی عمومی، کاهش سرمایه اجتماعی و تضعیف مشروعیت سیاسی را در پی داشته باشد. از منظر حقوق بین‌الملل، دولت‌ها متعهد به حمایت از شهروندان خود در برابر آثار مخاصمات‌اند. کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی بر اصل حمایت از غیرنظامیان و منع تعرض به آنان تأکید دارند. هرچند این اسناد مستقیماً وارد بحث جبران خسارت نمی‌شوند، اما در حقوق بین‌الملل عمومی، قاعده «جبران کامل خسارت»^۵ به عنوان اصلی پذیرفته شده شناخته می‌شود. (ILC, 2001) همچنین «اصول بنیادین سازمان ملل درباره حق قربانیان برای جبران» (۲۰۰۵) تصریح می‌کند که قربانیان نقض جدی حقوق بشر یا حقوق بشردوستانه باید از غرامت، بازسازی، توان بخشی و تضمین عدم تکرار برخوردار شوند. بنابراین، دولت ایران نیز علاوه بر تعهدات داخلی، مسئولیت بین‌المللی در ایجاد سازوکارهای مؤثر جبران دارد. با این حال، در ایران قوانین مربوط به جبران خسارت پراکنده و بعضاً ناکارآمدند. مقرراتی چون دیه، صندوق‌های حمایتی بنیاد شهید و نهادهای بیمه‌ای هرچند بخشی از خسارات را جبران می‌کنند، اما هیچ یک سازوکاری جامع، سریع و منصفانه برای حمایت از غیرنظامیان در شرایط جنگی ارائه نمی‌دهند. فقدان رویه قضایی منسجم و فرایندهای پیچیده اداری نیز بر مشکلات موجود افزوده است.

در بُعد نظری، دو رویکرد اصلی درباره مبنای مسئولیت دولت وجود دارد: نخست، دیدگاهی که این مسئولیت را ناشی از تعهدات بین‌المللی ایران در حوزه حقوق بشر و حقوق بشردوستانه می‌داند؛ و دوم، دیدگاهی که ریشه آن را در حقوق اساسی و فقه اسلامی و رابطه دولت و ملت جست‌وجو می‌کند. این دو دیدگاه در ظاهر هم‌پوشانی دارند، اما در عمل می‌توانند نتایج متفاوتی در پی داشته باشند؛ به ویژه در مواقعی که میان الزامات بین‌المللی و ملاحظات داخلی تعارض ایجاد شود.

در سطح عملی، پرسش اصلی این است که نظام حقوقی ایران تا چه حد توانسته است سازوکارهای مؤثر و منصفانه‌ای برای جبران خسارات شهروندان ناشی از حملات متخاصم ایجاد کند؟ آیا ظرفیت‌های موجود پاسخگوی اصول بین‌المللی از جمله «اصل جبران کامل» هستند؟ در سطح اجتماعی - سیاسی نیز کارآمدی نظام جبران خسارت نقشی اساسی در حفظ اعتماد عمومی دارد. تجربه نشان داده است که بی‌توجهی به قربانیان یا تأخیر در جبران خسارت، احساس بی‌عدالتی را تقویت کرده و پیوند میان مردم و حاکمیت را تضعیف می‌کند. در مقابل، وجود یک سازوکار شفاف و سریع برای جبران، همبستگی ملی و مشروعیت سیاسی را افزایش می‌دهد.

هدف اصلی این پژوهش، بررسی ظرفیت‌ها و کاستی‌های نظام حقوقی ایران در جبران خسارات وارد بر شهروندان ناشی از حمله طرف متخاصم و تحلیل مبانی حقوقی، فقهی و بین‌المللی این مسئولیت است. به این ترتیب، پژوهش نه تنها به دنبال توصیف وضعیت موجود است، بلکه رویکردی انتقادی و راهبردی دارد و می‌کوشد برای آینده نیز پیشنهادهای عملی ارائه کند.

⁵ Full Reparation

با توجه به اهمیت موضوع، پژوهش حاضر با رویکردی تحلیلی - توصیفی و با بهره‌گیری از منابع فقهی، قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی، به بررسی مبانی و سازوکارهای حقوقی جبران خسارات ناشی از حمله طرف متخاصم در ایران می‌پردازد. هدف آن شناسایی ظرفیت‌ها و کاستی‌های موجود و ارائه راهکارهایی برای اصلاح و تقویت نظام حقوقی در این زمینه است.

۱. تاریخچه جبران خسارات ناشی از مخاصمات مسلحانه در ایران

تاریخ جبران خسارات ناشی از مخاصمه در ایران را می‌توان بازتاب تکوین «سیاست عدالت‌جویی در بستر جنگ» دانست؛ سیاستی برآمده از دو منبع اصلی: نخست، سنت فقهی-حقوقی مسئولیت و ضمان در حقوق خصوصی که ایده‌ی هنجاری جبران را شکل داد، و دوم، تجربه‌ی دولت در قانون‌گذاری و مدیریت پیامدهای جنگ تحمیلی که آن ایده را به سازوکارهای اجرایی و مالی بدل کرد. نقطه عطف این روند، بی‌تردید جنگ ایران و عراق (۱۳۵۹-۱۳۶۷) بود، اما ریشه‌ها و آثار آن تا امروز استمرار یافته‌اند (یزمی و طاهری، ۱۳۹۹، ص. ۶۲). در بعد نظری، پیش از شکل‌گیری نهادهای مدرن جبران خسارت، قواعد عام مسئولیت مدنی مانند «من أُلِف» و «لاضرر» بنیان معنایی جبران را در حقوق ایران فراهم می‌کردند (سعادت، ج ۵۹، ص. ۱۱). مطابق این منطق، خسارت باید تا حد امکان به وضع پیشین بازگردد، و در صورت عدم امکان، بدل مالی یا غیرمالی پرداخت شود. این الگو بعدها زبان مشترک میان حقوق خصوصی و سیاست بازسازی پساجنگ شد و سنجش خسارات را تسهیل کرد. از این منظر، جنگ صرفاً حادثه‌ای استثنایی نیست، بلکه محک توان نظام حقوقی در تحمل بار خسارات فراگیر است (حسنوند، ۱۳۹۹، ص. ۱۶). با پیروزی انقلاب اسلامی و در نخستین سال‌ها پیش از آغاز رسمی جنگ، نهادهایی پدید آمدند که بعدها ستون‌های اصلی جبران خسارات انسانی و کالبدی شدند. «بنیاد شهید» در اسفند ۱۳۵۸ به حکم امام خمینی برای حمایت از خانواده‌های شهدا و مجروحان تأسیس شد و به محور سیاست‌های حمایتی ایثارگران بدل گردید. هم‌زمان، «بنیاد مسکن انقلاب اسلامی» در فروردین همان سال با مأموریت تأمین مسکن محرومان شکل گرفت و در دوره بازسازی پس از جنگ، نقش مؤثری در مرمت مناطق آسیب‌دیده ایفا کرد. همچنین، «جهاد سازندگی» در خرداد ۱۳۵۸ به‌عنوان بازوی اجرایی و بسیج اجتماعی ایجاد شد و در جریان جنگ و پساجنگ، مسئولیت هماهنگی پروژه‌های زیرساختی و پاک‌سازی مناطق جنگ‌زده را بر عهده گرفت. این سه نهاد مجموعه‌ای از ظرفیت‌های حمایتی، فنی و اجتماعی را فراهم کردند که بعدها در برنامه‌های بازسازی و جبران خسارت به‌کار گرفته شد (محمدجمادلو و همکاران، ۱۴۰۲، ص. ۷۹).

با گسترش جنگ در سال ۱۳۵۹ و آوارگی میلیون‌ها نفر از مناطق مرزی، دولت ناگزیر شد مفهوم خسارت را فراتر از آسیب کالبدی تعریف کند و سازوکاری برای جبران پیامدهای انسانی و اجتماعی آن ایجاد نماید. در این راستا، «بنیاد جنگ‌زدگان» و سپس «بنیاد امور مهاجرین جنگ تحمیلی» با مأموریت ساماندهی، اشتغال و اسکان آوارگان شکل گرفت و مفهوم جبران را از پرداخت نقدی به بازتوانی اجتماعی و مکانی گسترش داد (ربیعی، ۱۳۹۳، ص. ۲۵).

در سطح ملی نیز، تصویب «روش و تشکیلات اجرایی بازسازی مناطق جنگ‌زده» در اردیبهشت ۱۳۶۱ و اصلاحات سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ با ایجاد شورای عالی و ستاد مرکزی بازسازی، ساختار حکمرانی جبران خسارت را تثبیت کرد و هماهنگی میان وزارتخانه‌ها و نهادهای انقلابی را نهادینه ساخت (فرشا سعید و عیسی‌زایی، بی‌تا، ص. ۸-۱۰).

پس از قطعنامه ۵۹۸ و در آستانه پایان جنگ، بُعد انسانی جبران خسارات در ایران به شکل برجسته‌تری قانون‌گذاری شد. «قانون حمایت از آزادگان (اسرای آزادشده)» در آذر ۱۳۶۸ تصویب و آیین‌نامه‌های اجرایی آن در حوزه‌های آموزش، اشتغال و خدمات حمایتی فعال شد. بر پایه همین قانون، «ستاد رسیدگی به امور آزادگان» در مرداد ۱۳۶۹ هم‌زمان با تبادل اسرا تشکیل و بعدها با دیگر نهادهای ایثارگری در یک سازوکار یکپارچه ادغام گردید (فرشاسعید و عیسی‌زایی، بی‌تا، ص. ۱۱-۱۴). این قانون با تعریف دقیق «آزاده» و تعیین خدمات مشخص، جبران خسارت ناشی از اسارت را از سطح وعده اخلاقی به قلمرو حق‌های عینی و قابل استناد کشاند.

در دهه ۱۳۷۰، با تمرکز کشور بر بازسازی و بازگشت آوارگان، بخشی از وظایف ستادهای ویژه بازسازی به معاونت اجرایی ریاست‌جمهوری و استانداری‌ها منتقل شد؛ تغییری که عبور تدریجی از «مدیریت بحران متمرکز» به «حکمرانی توسعه منطقه‌ای» و ادغام استشنا در قاعده را نشان می‌دهد (فرشاسعید و عیسی‌زایی، بی‌تا، ص. ۸-۱۰).

در دهه ۱۳۸۰، تجربه‌های پراکنده حمایتی و اداری در یک نهاد چتری به نام «بنیاد شهید و امور ایثارگران» ادغام شد و خدمات درمانی، معیشتی و مسکن را به‌صورت واحد ارائه کرد. قوام‌بخشی حقوقی این روند با تصویب «قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران» (۱۳۹۱)

تکمیل شد که شمول ذی‌نفعان، تعریف‌ها و رژیم‌های حمایتی متنوع از معافیت‌های اداری و آموزشی تا تسهیلات درمانی و مسکن را تثبیت کرد و ابزارهای جبران خسارت را چندبعدی کرد (فرشاسعید و عیسی‌زایی، بی‌تا، ص. ۱۱-۱۴). در سطح بین‌المللی، ایران همواره بر «مسئولیت بین‌المللی عراق در آغاز مخاصمه» تأکید کرده است. گزارش دبیرکل سازمان ملل در دسامبر ۱۹۹۱ آغاز جنگ را به عراق منتسب نمود و مبنایی برای مطالبه مسئولیت فراهم کرد (عیدی‌پور، ۱۳۹۴، ص. ۱۸۲؛ United Nations, 2024). با این حال، برخلاف سازوکار غرامت پس از اشغال کویت، هیچ نهاد اجرایی چندجانبه‌ای برای برآورد و پرداخت غرامت ایجاد نشد و پیگیری‌ها عمدتاً سیاسی و دوجانبه باقی ماند. (Heiskanen Leroux, 1995, p. 41) پیامد این وضعیت، سنگین‌تر شدن بار جبران بر نظام حقوق داخلی و بودجه عمومی بود.

دهه‌های اخیر شاهد تلاش‌هایی برای «مالی‌سازی ریسک جنگ» و توسعه ابزارهای نوین جبران بوده است؛ از گسترش پوشش‌های بیمه‌ای در پروژه‌های زیرساختی تا تشکیل صندوق‌های تخصصی جبران خسارت (میرهاشمی، ۱۴۰۳، ص. ۵-۱۲). سیر تطور از پرداخت‌های حکمی و حمایتی به مدیریت ریسک پیشینی نشان‌دهنده گذار سیاست جبران از الگوی پسینی ترمیم به الگوی ترکیبی پیشگیری/ترمیم است (نعمت‌الهی، ۱۳۹۸، ص. ۱۸۱).

تاریخ جبران خسارات جنگ در ایران همچنین شامل سه چالش تئوریک و عملی است: اول، «قابلیت انتساب» و تعیین نسبت میان فعل متجاوز، خسارت و دولت زیان‌دیده، که با وجود شناسایی مسئولیت بین‌المللی، ابزار اجرایی قاطعی برای ایران فراهم نکرده است (ILC, 2001, Art. 16-18; Factory at Chorzow, PCIJ, 1928). دوم، «کفایت جبران» برای خسارات غیرمالی و بین‌نسلی، از آسیب‌های روانی و معلولیت تا تهی‌شدن سرمایه اجتماعی که نیازمند پیوند سیاست‌های رفاه، اشتغال و آموزش با بسته‌های جبران است (ربیعی، ۱۳۹۳، ص. ۹۲). سوم، «عدالت توزیعی» در زمان‌بندی و اولویت‌بندی بازسازی که نیازمند داده‌های قابل اتکا، نظام ارزیابی خسارت شفاف و پاسخ‌گویی نهادی است (ولی‌زاده و محمدخانی، ۱۳۹۸؛ طالبی جویباری، ۱۴۰۳).

ساختار حکمرانی جبران در ایران طی چهار دهه، از پاسخ اضطراری منفصل با نهادهای پراکنده و ستادهای ویژه، به ادغام در سازوکارهای عادی استانی در دهه ۷۰، یکپارچه‌سازی نهادی ایثارگران در دهه ۸۰ و نهایتاً قانون جامع و ابزارهای بیمه‌ای در دهه ۹۰ رسیده است. این گذار، از «حکمرانی بر اساس ضرورت» به «حکمرانی بر اساس قاعده» را نشان می‌دهد و هدف آن، تبدیل جبران خسارت به حق متعارف شهروندان است.

در جمع‌بندی، جبران خسارات مخاصمه در ایران سه ساحت دارد: هنجاری (مسئولیت و استحقاق جبران)، نهادی (شوراها، ستادها و بنیادها) و مالی/ابزاری (بودجه، بیمه و صندوق). موفقیت‌ها شامل احیای سریع زیست‌پذیری مناطق جنگ‌زده و تثبیت حقوق ایثارگران بوده و کاستی‌ها شامل نابرابری‌های جغرافیایی و طولانی‌شدن فرآیندها است. مسیر آینده مستلزم طراحی چرخه‌ای از شناسایی دقیق خسارت، جبران چندبعدی عادلانه و توان‌افزایی پیشینی است تا عدالت پس از جنگ به واقعیت حقوقی و اجتماعی بدل شود.

۲. وضع موجود نظام حقوقی ایران در جبران خسارات ناشی از مخاصمات مسلحانه

۲-۱. تصویر کلان: از مسئولیت اخلاقی تا تعهد قابل مطالبه

نتایج سیاست‌های جبران خسارات در ایران محصول هم‌نشینی سه لایه است: هنجاری، سازمانی و ابزاری/مالی. ساحت هنجاری شامل قانون اساسی، اصول فقهی و قواعد مسئولیت مدنی است؛ ساحت سازمانی متشکل از بنیاد شهید و امور ایثارگران، بنیاد مسکن، دستگاه‌های اجرایی و استانداری‌ها، وزارت بهداشت، بیمه‌ها و هلال‌احمر؛ و ساحت ابزاری/مالی شامل بودجه عمومی، تسهیلات بانکی، پوشش‌های بیمه‌ای و کمک‌های خاص می‌شود (ربیعی، ۱۳۹۳، ص. ۴۴).

نقطه قوت این معماری در این است که «جبران» صرفاً به پرداخت نقدی محدود نمی‌شود؛ بلکه خدمات درمانی، توانبخشی، مسکن، اشتغال، آموزش، حمایت‌های روانی - اجتماعی و امتیازات اداری نیز جزو سازوکار جبران محسوب می‌شوند. نقطه ضعف آن پراکندگی مقررات، تفاوت رویه‌ها در استان‌ها، وابستگی شدید به بودجه سالانه و ناهماهنگی داده‌ای میان نهادهاست (ربیعی، ۱۳۹۳، ص. ۴۴). مبانی حقوقی داخلی شامل چند محور است:

۱. قانون اساسی: اصول ۲۲، ۲۹ و ۴۰، ستون‌های حمایتی را شکل می‌دهند؛ امنیت جان و مال، حق تأمین اجتماعی و منع اضرار به غیر، تعهد مثبت دولت برای پیشگیری، حمایت و جبران را ایجاد می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص. ۷۲).

۲. قواعد فقهی و مسئولیت مدنی: قاعده‌های «لاضرر»، «من أئلف»، «تسبیب» و اصل جبران، وضعیت زیان‌دیده را به نزدیک‌ترین حالت پیشین بازمی‌گردانند. قانونگذاری عام نیز «مسئولیت مدنی» را به‌عنوان مبنای مطالبه خسارت پذیرفته است، اگرچه قانون جامع برای تمام ابعاد خسارات جنگی هنوز تصویب نشده است.
 ۳. قوانین خاص حمایتی: رژیم‌های ایثارگری (شهید، جانباز، آزاده) از طریق قانون جامع خدمات‌رسانی و آیین‌نامه‌های اجرایی تثبیت شده و انواع مزایا (درمانی، معیشتی، آموزشی، استخدامی، مسکن) را تضمین می‌کنند.
 ۴. مقررات بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده: چارچوب‌های اجرایی دولت برای بازسازی کالبدی و بازگشت جمعیت که به مرور در سیاست‌های توسعه استانی ادغام شده‌اند.
 ۵. قواعد کیفری، دیه و بیت‌المال: در موارد خاصی که مرتکب شناسایی نمی‌شود یا قادر به پرداخت خسارت نیست، سازوکارهای پرداخت از بیت‌المال پیش‌بینی شده است؛ هرچند ارتباط مستقیم آن با خسارات ناشی از حملات دشمن همواره شفاف نیست (ضیائی بیگدلی، ۱۴۰۱، ص. ۲۲۱).
- در مجموع، مبنای هنجاری جبران در ایران «موجود و معتبر» است، اما نظام یکپارچه و تخصصی برای تمامی انواع خسارات ناشی از مخاصمه—مالی، جسمی، روانی، محیط‌زیستی، اقتصادی و زیرساختی—هنوز کامل نشده و بیشتر در قالب بسته‌های حمایتی خاص و مصوبات موردی اجرا می‌شود.

۲-۲. معماری نهادی فعلی: چه کسی چه می‌کند؟

۱. بنیاد شهید و امور ایثارگران: هسته‌ی اصلی شناسایی، ثبت و ارائه خدمات به شهدا، جانبازان، آزادگان و خانواده‌های آنان؛ شامل درمان، توانبخشی، مسکن، معیشت، اشتغال و آموزش. مزیت آن تجربه و شبکه گسترده است و چالش اصلی بار سنگین مأموریت‌ها و فقدان پیوند داده‌ای کامل با سایر پایگاه‌هاست (قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران، ۱۳۹۱، مواد ۱، ۱۵ و ۷۴).
 ۲. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی: مسئول مرمت و بازسازی واحدهای مسکونی آسیب‌دیده، به‌ویژه در مناطق مرزی، و هماهنگی با بانک‌ها برای تسهیلات ساخت و نوسازی (اساسنامه بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، مصوب ۱۳۶۶).
 ۳. وزارتخانه‌ها، استانداری‌ها و شوراهای بازسازی: اجرای طرح‌های زیربنایی، پاکسازی و احیای شریان‌ها؛ انتقال تدریجی از «ستادهای ویژه» به رویه‌ی عادی برنامه‌ریزی استانی (تصویب‌نامه هیأت وزیران، ۱۳۶۱ و اصلاحات بعدی).
 ۴. وزارت بهداشت و مراکز جانبازان: ارائه درمان تخصصی و توانبخشی جسمی و روانی، به‌ویژه برای مجروحیت‌های شیمیایی و آسیب‌های مزمن.
 ۵. صنعت بیمه و بانک‌ها: تأمین پوشش‌های بیمه‌ای و تسهیلات بازسازی؛ حرکت آهسته به سمت مالی‌سازی ریسک جنگ و ایجاد صندوق‌های اختصاصی (وزیر امور اقتصادی و دارایی، ۱۴۰۴).
 ۶. هلال احمر و شبکه امداد: پاسخ اضطراری، اسکان موقت و ارائه خدمات اولیه در بحران.
 ۷. دیوان عدالت اداری و محاکم عمومی: رسیدگی به شکایات از تصمیمات اداری و دعاوی مسئولیت مدنی علیه دستگاه‌ها در موارد تقصیر یا ترک فعل.
- چالش میان‌بخشی: فقدان نقشه جامع داده‌ای برای ردیابی پرونده خسارت فرد، خانواده یا بنگاه از ثبت تا خاتمه در همه نهادها؛ نتیجه، تکرار ارزیابی‌ها، طولانی شدن فرایند و امکان تعارض تصمیمات است.

۲-۳. مسیرهای دادرسی و مطالبه‌ی حق

۱. مسیر اداری/حمایتی: شناسایی توسط نهادهای حمایتی و دریافت خدمات و مزایا طبق آیین‌نامه‌ها؛ سریع‌تر از مسیر قضایی است اما پوشش حقوق مکتسبه خارج از شمول ایثارگری یا مصوبات خاص را تضمین نمی‌کند.
۲. مسیر قضایی عمومی: طرح دعاوی مسئولیت مدنی علیه دستگاه‌ها در محاکم؛ در صورت اثبات تقصیر یا نقض وظیفه‌ی حفاظت و پیشگیری، امکان مطالبه ضرر و زیان وجود دارد. مانع اصلی، اثبات انتساب، رابطه سببیت و برآورد کارشناسی جامع است.
۳. دیوان عدالت اداری: ابطال تصمیمات یا الزام دستگاه اداری به انجام تکلیف؛ مناسب تعارض‌های مقرراتی یا آیینی.

۴. مسیرهای شبه قضایی/کمیسیون‌ها: کمیته‌های برآورد خسارت در بازسازی مسکن و زیرساخت، کمیسیون‌های پزشکی و...؛ مزیت تخصصی و کم‌هزینه بودن، ضعف محدودیت شفافیت و ضمانت اجرا در برخی موارد است.

محتوای جبران:

- جبران مالی مستقیم: کمک‌هزینه‌ها، دیه در فروض خاص، پرداخت خسارت، تسهیلات بلاعوض یا کم‌بهره.
 - جبران کالبدی: بازسازی مسکن، زیرساخت محلی، پاکسازی مین و مهمات، احیای شبکه‌های آب، برق و راه.
 - جبران انسانی و سلامت: درمان و توانبخشی، خدمات طولانی‌مدت جانبازان شیمیایی، حمایت روانی و اجتماعی.
 - جبران حرفه‌ای/معیشتی: امتیازات استخدامی، آموزش مجدد، وام‌های کارآفرینی و حمایت از کسب‌وکارهای آسیب‌دیده.
 - جبران نمادین/غیرمالی: اسناد شناسایی ایثارگری، تکریم و یادمان‌ها که سرمایه نمادین و ترمیمی ایجاد می‌کنند.
- چالش اصلی: سنجش خسارت غیرمالی (روانی، اجتماعی، محیط‌زیستی) هنوز به‌صورت نظام‌مند اندازه‌گیری و جبران نمی‌شوند و اغلب کمتر از خسارت‌های مالی یا کالبدی پوشش داده شده‌اند (ربیعی، ۱۳۹۳، ۴۴).

۲-۴. پیوند با حقوق بین‌الملل: تعهدات بیرونی، آثار درونی

از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر، اصل حمایت از غیرنظامیان و «جبران کامل» پذیرفته شده است. با این حال، فقدان سازوکار اجرایی بین‌المللی ویژه برای پرونده ایران، بار جبران را به درون نظام داخلی منتقل کرده است؛ بنابراین هر خلأ در استانداردهای دادرسی، سنجش خسارت یا پوشش حمایتی مستقیماً بر کیفیت اجرای تعهدات بین‌المللی اثر می‌گذارد (United Nations, 2024, Annew I: Compensation). تقویت رویه‌های داخلی، راه عملی اجرای استانداردهای بین‌المللی است.

۱- نقاط قوت وضع موجود

- رژیم حمایتی تثبیت‌شده برای ایثارگران با ابزارهای متنوع (درمانی، معیشتی، آموزشی، مسکن).
- تجربه سازمانی گسترده در بازسازی مناطق جنگ‌زده و بازگشت جمعیت.
- گسترش خدمات تخصصی درمانی و توانبخشی، به‌ویژه برای جانبازان شیمیایی.
- حرکت تدریجی به سمت ابزارهای مالی نوین مانند تسهیلات هدفمند و ایده صندوق‌ها/بیمه‌های ویژه.
- ادغام بازسازی در روتین حکمرانی استانی، گذار از «استثنا» به «قاعده» (ربیعی، ۱۳۹۳، ۴۴).

۲- شکاف‌ها و چالش‌های محوری

- پراکندگی مقررات و فقدان قانون جامع برای همه انواع خسارات ناشی از مخاصمه؛ اتکا به مصوبات موردی و آیین‌نامه‌های پراکنده.
- ناهمگونی در ارزیابی خسارت و فقدان پروتکل واحد برای خسارت‌های غیرمالی و محیط‌زیستی.
- طولانی‌شدن رسیدگی‌ها، تکرار ارزیابی‌ها و تعدد مراجع.
- وابستگی شدید به بودجه عمومی و کفایت نداشتن پوشش‌های بیمه‌ای فراگیر.
- ضعف شفافیت و پاسخ‌گویی، عدم یکپارچگی داده‌ها و گزارش‌دهی محدود.
- فاصله با استانداردهای بین‌المللی در مشارکت قربانیان، دسترسی به درمان روانی و جبران غیرمالی.

۳- مسیرهای بهبود در چهارچوب وضع موجود

- **تقنین جامع:** قانون مادر چندفصلی که تعریف‌ها، شمول، انواع خسارت، روش سنجش، ترتیبات دادرسی، صندوق مالی و ضمانت اجراها را یکپارچه کند.
- **پروتکل ملی ارزیابی خسارت:** مدل استاندارد برای خسارت مالی، انسانی، روانی، محیط‌زیستی و کسب‌وکار با الزام به اجرای واحد در همه استان‌ها.
- **پرونده الکترونیک جبران:** شناسه یکتا برای هر پرونده از ثبت تا جبران و پس‌از آن (توان‌افزایی/بازتوانی) در همه نهادها.

- **بازطراحی ابزارهای مالی:** صندوق اختصاصی جبران مخاصمه با منابع بودجه‌ای، مشارکت بیمه/بانک و ابزارهای بازار سرمایه؛ ترکیب پرداخت نقدی، تسهیلات ارزان و خرید خدمت.
 - **عدالت توزیعی و اولویت‌بندی شفاف:** شاخص‌های قابل سنجش برای تقدم مناطق/گروه‌ها و گزارش عمومی دوره‌ای.
 - **افزایش انطباق با استانداردهای بین‌المللی:** گنجاندن جبران‌های نمادین، توان‌بخشی روانی، مشارکت قربانیان در تصمیم و تضمین دسترسی مؤثر به دادرسی. (United Nations, 2024, Annew I: Compensation)
- وضع موجود ایران پایه‌های هنجاری و نهادی معتبر برای جبران خسارات ناشی از مخاصمه را دارد و در حوزه ایثارگری رژیمی نسبتاً بالغ ایجاد کرده است. با این حال، برای تبدیل «جبران» به حق همگانی و چندبعدی برای همه آسیب‌دیدگان، سه جابه‌جایی ضروری است:
۱. از مصوبات موردی به قانون مادر جامع،
 ۲. از برآوردهای متفرق به پروتکل ملی سنجش و پرونده الکترونیک یکپارچه،
 ۳. از وابستگی صرف به بودجه عمومی به ترکیب پایدار بودجه، صندوق و بیمه.

۳. مبنای جبران خسارت ناشی از مخاصمات مسلحانه

هر نظام حقوقی برای توجیه مسئولیت جبران خسارت باید مبنای نظری و هنجاری مشخص داشته باشد. در ایران، مبنای جبران خسارت ناشی از مخاصمه از سه سطح استخراج می‌شود: فقهی و شرعی، حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل بشردوستانه (Zegveld, 2009, p. 371). این مبنای، صرفاً «وظیفه اخلاقی» نیست بلکه یک «تکلیف حقوقی الزام‌آور» محسوب می‌شود.

۱.۱ مبنای فقهی و شرعی

در فقه امامیه، قواعد «لا ضرر و لا ضرار»، «من أتلف مال الغير فهو له ضامن»، «تسبیب» و اصل «عدالت» پایه‌های مسئولیت مدنی‌اند (نجفی، جواهر الکلام، ج. ۲۱، ۳۷۱؛ امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ۵۵). دولت، به‌عنوان عالی‌ترین مرجع حفظ نظم و امنیت، در مخاصمه مسئولیت دارد و نه تنها باید خسارت مالی بلکه آثار روانی و اجتماعی را نیز جبران کند.

۱.۲ مبنای حقوق داخلی

اصول ۲۹ و ۴۰ قانون اساسی ایران تعهد دولت به تأمین اجتماعی و منع اضرار به غیر را تثبیت می‌کنند. قانون مسئولیت مدنی نیز هر فعل یا ترک فعلی که موجب ضرر شود را قابل جبران می‌داند. بنابراین، جبران خسارت ناشی از مخاصمه یک حق قانونی برای شهروندان است، نه صرفاً یک سیاست حمایتی (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۷۲).

۱.۳ مبنای بین‌المللی

حقوق بین‌الملل بشردوستانه و اسناد حقوق بشر اصل حمایت از غیرنظامیان و ضرورت جبران کامل خسارات ناشی از جنگ را مقرر کرده‌اند (Henckaerts Doswald Beck, 2005, Rule 150). گرچه اجرای این قواعد بین‌المللی محدود است، اما تعهد دولت ایران در قبال شهروندانش تقویت می‌شود. (Heiskanen Leroux, 1995, p. 52)

مبنای جبران خسارت در ایران ترکیبی از قاعده فقهی الزام به جبران، اصل قانونی منع اضرار و تعهد بین‌المللی حمایت از غیرنظامیان است؛ جبران خسارت یک «حق مطالبه‌پذیر» است، نه صرفاً یک امتیاز حمایتی.

۴. خسارت‌های قابل جبران ناشی از مخاصمه

خسارت‌ها را می‌توان به پنج دسته اصلی طبقه‌بندی کرد:

۴-۱. خسارت‌های جانی و جسمانی

مرگ، جراحت، نقص عضو و پیامدهای بلندمدت جسمی مانند مصدومان شیمیایی. جبران در ایران عمدتاً از طریق دیه، مستمری، خدمات درمانی و توانبخشی انجام می‌شود. پرسش باقی می‌ماند که آیا این جبران‌ها ارزش واقعی زندگی یا کیفیت ازدست‌رفته‌ی حیات را تأمین می‌کنند یا خیر.

۴-۲. خسارت‌های روانی و معنوی

جنگ آثار روانی و اجتماعی ایجاد می‌کند: اضطراب، افسردگی، بی‌اعتمادی اجتماعی. در ایران جبران روانی محدود است و هنوز قالب حقوقی منسجمی برای «جبران معنوی جمعی» وجود ندارد.

۴-۳. خسارت‌های مالی و اقتصادی

تخریب خانه‌ها، کارگاه‌ها و کارخانه‌ها. بخشی از این خسارت‌ها از طریق بنیاد مسکن، تسهیلات بانکی و کمک‌های بلاعوض جبران می‌شود، اما خسارت‌های غیرمستقیم اقتصادی مانند فرصت‌های شغلی ازدست‌رفته یا رکود منطقه‌ای کمتر به رسمیت شناخته شده‌اند (ربیعی، ۱۳۹۳، ۴۴).

۴-۴. خسارت‌های زیربنایی و عمومی

تخریب جاده‌ها، پل‌ها، شبکه‌های آب و برق، مدارس و بیمارستان‌ها. این خسارت‌ها عمدتاً به‌صورت بازسازی دولتی جبران می‌شوند و افراد نمی‌توانند ادعای شخصی مطرح کنند.

۴-۵. خسارت‌های محیط‌زیستی و بلندمدت

آلودگی خاک، آب و هوا، مین و مواد منفجره باقی‌مانده و نابودی منابع طبیعی. این حوزه هنوز در مقررات پراکنده و جبران آن محدود است، در حالی که حقوق بین‌الملل بشردوستانه حفاظت از محیط زیست در جنگ را تأکید می‌کند. نظام جبران در ایران بیشتر بر خسارت‌های فردی و ملموس تمرکز دارد و خسارت‌های غیرمادی، روانی، اجتماعی و محیط‌زیستی هنوز به‌صورت جامع وارد سازوکارهای جبران نشده‌اند؛ این شکاف مانع تحقق عدالت ترمیمی و محدودکننده انطباق با استانداردهای بین‌المللی است.

۲.۳. خسارت‌های غیرقابل جبران ناشی از مخاصمه

برخی از آثار مخاصمه و جنگ، فراتر از جبران مالی و کالبدی هستند و ماهیتشان امکان «جبران کامل» را از بین می‌برد. این خسارت‌ها شامل موارد زیر است:

۱. فقدان جان انسان

زندگی ازدست‌رفته را هیچ نظام حقوقی یا فقهی نمی‌تواند بازگرداند؛ دیه و مستمری تنها «بديل قراردادی» هستند (امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ۳۴۶). دولت برای تحقق عدالت ترمیمی می‌تواند اقدامات مکملی مانند گرامیداشت یاد قربانیان و حمایت همه‌جانبه از بازماندگان فراهم کند.

۲. خسارت‌های روانی عمیق و جمعی

اختلالات روانی ناشی از جنگ مانند PTSD ممکن است نسل‌ها منتقل شوند. حمایت‌های روانی در ایران پراکنده است و چارچوب حقوقی مشخصی برای جبران خسارت معنوی جمعی وجود ندارد. عدالت ترمیمی می‌تواند با مشاوره، گفت‌وگو و بازسازی فرهنگی این خلا را کاهش دهد.

۳. از دست رفتن میراث فرهنگی و هویت تاریخی

تخریب آثار فرهنگی و تاریخی، مانند مساجد، پل‌ها و اسناد ملی، از دست رفتن حافظه جمعی و هویت تاریخی است و جبران مالی به‌تنهایی کافی نیست (UNESCO, 1954, Art. 4; Zegveld, 2009, p. 388). سیاست‌های بازسازی فرهنگی و مشارکت جامعه ضروری‌اند.

۴. خسارت‌های محیط‌زیستی پایدار

مین‌ها، آلودگی شیمیایی، و نابودی پوشش گیاهی و تنوع زیستی پیامدهایی هستند که دهه‌ها باقی می‌مانند. ایران توجه بیشتری به محیط زیست داشته اما هنوز جبران زیست‌محیطی ناشی از مخاصمه در قوانین مستقل نشده است.

۵. فرصت‌های از دست‌رفته توسعه

جنگ تحصیل، رشد اقتصادی و شکوفایی علمی را مختل می‌کند. جبران کامل حقوقی امکان‌پذیر نیست، اما سیاست‌های مثبت مانند بورسیه‌ها و برنامه‌های بازتوانی اقتصادی می‌تواند بخشی از خلأ را پر کند.

جبران حقوقی همیشه نسبی است و باید از «پرداخت غرامت» فراتر رفته و به عدالت ترمیمی، بازسازی حافظه جمعی و بازگرداندن شأن انسانی توجه شود.

۳.۳. گستره جبران خسارت

گستره جبران مشخص می‌کند «چه کسی»، «چه زمانی»، «کجا»، «برای چه آسیبی» و «تا چه حد» می‌تواند انتظار ترمیم داشته باشد. عناصر کلیدی عبارت‌اند از:

۱. گستره شخصی: همه کسانی که اثر واقعی مخاصمه را تجربه کرده‌اند؛ شامل خانواده‌های شهدا، جانبازان، آوارگان، کسب‌وکارهای آسیب‌دیده، افراد دارای معلولیت، ساکنان مناطق آلوده.

۲. گستره زمانی: شامل سه مرحله: پیشاوقوع (هزینه‌های پیشگیرانه)، حین مخاصمه (خسارات مستقیم) و پساجنگ (آثار دیررس جسمی، روانی و محیطی).

۳. گستره مکانی: از مناطق خط مقدم تا مناطق دورتر متأثر، معیار اصلی «رابطه واقعی با واقعه زیانبار» است.

۴. گستره موضوعی: چهار بعد متوازن شامل انسانی، کالبدی/اقتصادی، اجتماعی/فرهنگی، و محیط‌زیستی؛ ابزار متناظر برای هر بعد ضروری است.

۵. گستره ادله و استاندارد اثبات: ترکیبی از قرائن، ارزیابی کارشناسی، شهادت و داده‌های میدانی؛ اصل «تردید معقول به نفع زیان‌دیده».

۶. گستره ترمیم: ترکیبی از بازسازی و اعاده وضع، جبران مالی، توان‌بخشی جسمی و روانی، اقدامات نمادین و نهادی.

۷. گستره عدالت توزیعی: اولویت با تهدید حیات و سلامت، گروه‌های آسیب‌پذیر، و زیان‌های با اثر شبکه‌ای بالا؛ شاخص‌های شفاف و عمومی.

۸. گستره نهادی و هم‌افزایی: «پرونده یکتای جبران» با شناسه واحد در همه نهادها؛ پنجره واحد و پیگیری آنلاین.

۹. گستره هم‌نشینی با بیمه و صندوق‌ها: ترکیب بودجه عمومی، صندوق اختصاصی، مشارکت بیمه و ابزارهای بازار سرمایه برای پرداخت نقدی، تسهیلات و انباشت ریسک‌های آینده.

۱۰. گستره هماهنگی با استانداردهای بین‌المللی: شامل اعاده وضع، غرامت، توان‌بخشی، اقدامات نمادین و تضمین عدم تکرار؛ تحقق اصل «جبران کامل» و تقویت موقعیت حقوقی داخلی و بین‌المللی.

نتیجه: طراحی جامع گستره جبران، امکان تبدیل جبران از «سیاست حمایتی موردی» به «حق مطالبه‌پذیر قابل پیگیری» را فراهم می‌کند و زیان‌دیدگان را به سمت احیای کرامت، قابلیت و امید هدایت می‌کند.

نتیجه

پژوهش حاضر نشان داد که جبران خسارت‌های ناشی از مخاصمه در ایران، هم از منظر نظری و هم در عمل، مسئله‌ای پیچیده و سرنوشت‌ساز است. تجربه‌ی کشور طی دهه‌های اخیر نشان داد که آثار جنگ فراتر از تخریب کالبدی بوده و زندگی فردی، خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی را درگیر می‌کند و سال‌ها پس از پایان مخاصمه نیز باقی می‌ماند. با وجود تلاش‌های پراکنده نظیر صندوق‌ها، بنیادهای ویژه و مقررات موردی، برخی ابعاد خسارت—به‌ویژه خسارت‌های دیررس روانی، زیست‌محیطی و اجتماعی هنوز مغفول مانده‌اند. تحلیل وضع موجود نیز نشان داد که نظام حقوقی ایران از ظرفیت‌های قابل توجهی برخوردار است: اصول کلی عدالت، کرامت انسانی، اصل جبران و منع اضرار به غیر، و سوابق نهادی گسترده. اما بدون صورت‌بندی روشن در سطح «گستره‌ی جبران» و پیوند با استانداردهای بین‌المللی، این ظرفیت‌ها گاه به نتایج نابرابر و غیرشفاف منجر می‌شوند. جبران خسارت، صرفاً پرداخت مالی یا بازسازی کالبدی نیست؛

بلکه حق بازسازی زندگی، احیای کرامت و بازگرداندن امید است. خسارت‌های قابل جبران باید ابعاد انسانی، اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی را در بر بگیرند، در حالی که خسارت‌هایی مانند فقدان عزیز یا رنج‌های معنوی تنها در قالب‌های نمادین و اجتماعی قابل تسکین‌اند. یکی از دستاوردهای اصلی تحقیق، تشریح «گستره‌ی جبران» بود؛ گستره‌ای که شامل ابعاد شخصی، زمانی، مکانی، موضوعی، اثباتی و نهادی است. پذیرش جامع این گستره، جبران خسارت را از یک سیاست حمایتی موردی به حق مطالبه‌پذیر و شفاف تبدیل می‌کند.

نهایتاً، ایران نیازمند نظام جامع جبران خسارت است که بر سه ستون استوار باشد:

۱. جامعیت: پوشش همه گروه‌های آسیب‌دیده و تمامی ابعاد خسارت.
 ۲. شفافیت و عدالت توزیعی: اولویت‌بندی منصفانه، معیارهای روشن و پرهیز از تبعیض.
 ۳. پایداری نهادی و مالی: پرونده یکتا، صندوق‌های پایدار، هم‌افزایی با بیمه و انطباق با استانداردهای بین‌المللی.
- چنین نظامی می‌تواند ایران را به الگویی در منطقه بدل کند: کشوری که رنج جنگ را به سرمایه‌ای برای توسعه عدالت، انسجام اجتماعی و آینده‌ای امن‌تر تبدیل کرده است.

منابع

- اخلاقی‌زاده، س.، کریمی‌نیا، م.، تابش، ن.، فرامرزی، ف. (۱۴۰۱). شیوه‌های جبران خسارت در حقوق ایران و افغانستان. فصلنامه فقه و حقوق معاصر، ۸(۱۹).
- امین، س. ح. (۱۳۹۱). چرا ایران از عراق غرامت جنگی نمی‌گیرد؟ مجله حافظ، ۹۸.
- اساسنامه بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، مصوب ۱۳۶۶.
- بزمی، ع.، طاهری، ع. (۱۳۹۹). مسئولیت حقوقی-بین‌المللی دولت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در وقوع جنگ ایران و عراق. مطالعات حقوقی-بین‌المللی، ۵۹-۹۵.
- حسنوند، م. (۱۴۰۲). بررسی صلاحیت قاعده لاضرر بر جبران خسارت معنوی. مجله حقوقی، شماره نامعلوم.
- حیاتی، س. (۱۳۹۸). مفهوم و چگونگی جبران خسارت‌های گروهی (مطالعه تطبیقی). مجله تطبیق حقوقی، پژوهش‌کده حقوق تطبیقی، ۲(۲)، ۲۱-۴۰.
- خبرگزاری رسمی ایران (IRNA) (۱۴۰۴، ۸ تیر). وزیر اقتصاد: صندوق بیمه جبران خسارت تشکیل می‌شود.
- خمینی، ر. (بی‌تا). تحریر الوسیله (ترجمه). تهران: نشر آثار امام خمینی.
- ربیعی، منیژه (۱۳۹۳). بنیاد امور مهاجرین جنگ تحمیلی، جلد ۴.
- روش و تشکیلات اجرایی بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده — تصویب‌نامه هیأت وزیران، ۱۳۶۱ و اصلاحات ۱۳۶۶.
- ضیائی بیگدلی، م. ر. (۱۴۰۱). حقوق جنگ: حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانه. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- طالبی‌جویباری، ع. ا. (۱۴۰۳). شیوه‌های جبران خسارت در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی. کنفرانس بین‌المللی حقوق، علوم سیاسی، سیاست اسلامی و فقه اسلامی.
- عیدی‌پور، ع. (۱۳۹۴). راهکارهای ایران برای دریافت غرامت جنگی از عراق. مطالعات بین‌المللی، ۴۶.
- فرشاسعید، پ.، عیسی‌زایی، م. (۱۳۹۵). مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اعمال متخلفانه بین‌المللی، ۹-۱۲.
- فرشاسعید، پ.، عیسی‌زایی، م. (بی‌تا). مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در پیشگیری و جبران خسارات ناشی از آلودگی‌های فرامرزی، ۸-۱۴.
- قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران، مصوب ۱۳۹۱.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۸۷). مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، جلد اول: قواعد عمومی. تهران: دانشگاه تهران.

کاتوزیان، ن. (۱۳۸۹). وقایع حقوقی (مسئولیت مدنی). تهران: گنج دانش.

جمادلو، م. (۱۴۰۲). تحلیل فعالیت‌های جهادسازندگی در جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران. فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، ۹(۴)، ۶۹-۹۲.

موسوی مبارکه، م.، فلاح‌نژاد، ف. (۱۴۰۲). بررسی جبران خسارت محیط‌زیستی در نظام حقوقی ایران و جمهوری خلق چین. نقد حقوق تطبیقی، ۱۴(۲)، ۹۳۷-۹۶۴.

نجفی، م. ح. (بی‌تا). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. دار احیاء التراث العربی.

نعمت‌اللهی، ا. (۱۳۹۸). اصل جبرانی بودن خسارت و کارکردهای آن در کامن لا و حقوق ایران. پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۲۳(۴)، ۱۷۵-۲۰۲.

نگهداری نصیر مشایخ گندس کلایی، ف. (۱۳۹۹). بررسی اصل جبران خسارت از منظر قرآن، فقه امامیه و حقوق ایران. مطالعات قرآنی، ۱۱(۴۳)، ۴۲۹-۴۶۳.

ولی‌زاده، ح.، محمدخانی، ب. (۱۳۹۸). جبران خسارت معنوی در نظام حقوقی ایران. در دومین کنفرانس ملی و اولین کنفرانس بین‌المللی حقوق و علوم سیاسی.

میرهاشمی، می. (۱۴۰۳). بررسی رابطه جبران خسارت و قاعده انصاف در حقوق ایران. کنفرانس بین‌المللی حقوق و علوم سیاسی.

- Akhlaghi-Zadeh, S., Karimi-Nia, M., Tabesh, N., & Faramarzi, F. (2022). *Methods of Damage Compensation in Iranian and Afghan Law*. Contemporary Fiqh and Law Quarterly, 8(19). (in Persian)
- Amini, S. H. (2012). *Why Does Iran Not Receive War Reparations from Iraq?* Hafez Magazine, No. 98. (in Persian)
- Articles of Association of the Housing Foundation of the Islamic Revolution. (1987). (in Persian)
- Bazmi, A., & Taheri, A. (2020). *International Legal Responsibility of Regional and Extra-Regional States in the Occurrence of the Iran-Iraq War*. International Legal Studies, pp. 59-95. (in Persian)
- Hassanvand, M. (2023). *Applicability of the No-Harm Rule to Compensation for Moral Damages*. Legal Journal, issue unknown. (in Persian)
- Hayati, S. (2019). *Concept and Methods of Collective Damage Compensation (A Comparative Study)*. Comparative Law Journal, 2(2), 21-40. (in Persian)
- Islamic Republic News Agency (IRNA). (2025, June 28). *Minister of Economy: A Damage Compensation Insurance Fund Will Be Established*. (in Persian)
- Khomeini, R. (n.d.). *Tahrir al-Wasilah (Translated Edition)*. Tehran: Imam Khomeini Publications. (in Persian)
- Rabiei, M. (2014). *Foundation for the Affairs of the Imposed War Migrants*, Vol. 4. (in Persian)
- Regulations on the Executive Structure for the Reconstruction and Renovation of War-Damaged Areas. (1982, amended 1987). Cabinet of Ministers Approval. (in Persian)
- Ziaei Bigdeli, M. R. (2022). *Law of War: International Law of Armed Conflicts*. Tehran: Allameh Tabataba'i University Press. (in Persian)
- Talebi-Jouybari, A. A. (2024). *Methods of Compensation in International Armed Conflicts*. International Conference on Law, Political Science, Islamic Policy and Islamic Jurisprudence. (in Persian)
- Eidipour, A. (2015). *Iran's Legal Approaches to Receiving War Reparations from Iraq*. International Studies, No. 46. (in Persian)
- Farshasaeid, P., & Eisazadeh, M. (2016). *International Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts*, pp. 9-12. (in Persian)
- Farshasaeid, P., & Eisazadeh, M. (n.d.). *International Responsibility of States in the Prevention and Compensation of Transboundary Environmental Damage*, pp. 8-14. (in Persian)
- Comprehensive Law on Providing Services to Veterans. (2012). (in Persian)

- Katouzian, N. (2008). *Civil Liability (Non-Contractual Obligations), Vol. 1: General Rules*. Tehran: University of Tehran Press. (in Persian)
- Katouzian, N. (2010). *Legal Events (Civil Liability)*. Tehran: Ganj-e Danesh. (in Persian)
- Jamadlou, M. (2023). *Analysis of Jihad-e Sazandegi Activities During the Imposed War by the Iraqi Ba'ath Regime Against Iran*. Sacred Defense Studies Quarterly, 9(4), 69–92. (in Persian)
- Mousavi Mobarakeh, M., & Fallahnejad, F. (2023). *Environmental Damage Compensation in the Legal Systems of Iran and the People's Republic of China*. Comparative Law Review, 14(2), 937–964. (in Persian)
- Najafi, M. H. (n.d.). *Jawaher al-Kalam fi Sharh Shara'i al-Islam*. Dar Ihya al-Turath al-Arabi. (in Persian)
- Ne'matollahi, A. (2019). *The Compensatory Nature of Damages and Its Functions in Common Law and Iranian Law*. Comparative Legal Research, 23(4), 175–202. (in Persian)
- Negahdari Nasir Mashayekh Gonds-Kalaei, F. (2020). *The Principle of Damage Compensation from the Perspective of the Qur'an, Imami Jurisprudence, and Iranian Law*. Qur'anic Studies, 11(43), 429–463. (in Persian)
- Valizadeh, H., & Mohammadkhani, B. (2019). *Moral Damage Compensation in the Iranian Legal System*. National and International Conference on Law and Political Science. (in Persian)
- Mirhashemi, M. (2024). *The Relationship Between Compensation and the Principle of Equity in Iranian Law*. International Conference on Law and Political Science. (in Persian)
- Case Concerning the Factory at Chorzów (Germany v. Poland), Judgment, Permanent Court of International Justice, 13 Sept. 1928.
- Heiskanen, V., Leroux, N. (۱۹۹۵). *War Reparations and the UN Compensation Commission*. Oxford University Press.
- Henckaerts, J.-M., Doswald-Beck, L. (2005). *Customary International Humanitarian Law, Volume I: Rules*. Cambridge University Press.
- International Law Commission, Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, with commentaries, 2001.
- Robinson, N. (۱۹۵۱). *War Damage Compensation and Restitution in Foreign Countries*. International Review of Law.
- Shahla, M., Ziaie Tabatabaie, H. R. (۲۰۲۴). *A Look at Contractual Compensation in the Practice of the Iran–United States Claims Tribunal*. Iranian Journal of International and Comparative Law, 2(2), 130–146.
- UNESCO. (1954). *Convention for the Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict (The Hague Convention, 1954)*. Paris: United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization.
- United Nations General Assembly. (2006). *Basic Principles and Guidelines on the Right to a Remedy and Reparation...* (A/RES/60/147).
- United Nations. (2024). *Annex I: Compensation for the damage caused by internationally wrongful acts (Draft Articles on State Responsibility)*. UN ILC.
- Zegveld, L. (2009). *Compensation for the Victims of Chemical Warfare in Iraq and Iran*. In P. De Greiff M. Wierda (Eds.), *Reparations for Victims of Genocide, War Crimes and Crimes Against Humanity* (pp. 369–381). Leiden/Boston: Brill | Nijhoff.